

## ۲۰ سال گذشت؛ ۳۰ خرداد ۶۰

منصور حکمت - گفتگو با رادیو انترناسیونال



# حکمتیستی ۱۱۷

۱۳ ژوئن ۲۰۱۶ - ۲۴ خرداد ۱۳۹۵  
دوشنبه ها منتشر میشود

سر ستون

## هولیگان‌نیسم، شعور حاکم بر جهان ما!

فواد عبداللہی



در حاشیه دیدار انگلیس و روسیه در یورو ۲۰۱۶ در ورزشگاه ولودروم شهر ماری، هولیگان های دو تیم در پایان بازی همدیگر را لت و پار کردند؛ و بازی فوتبال را به کام دوستدارانش تلخ کردند. بزن بزن هولیگان ها در تاریخ فوتبال هرچند پدیده تازه ای نیست اما این درجه از خشونت حاصل مغز معیوب هولیگان ها نیست؛ منشاء این خشونت، نظامی است که انسان را در هزار و یک راه و رسم و قانون و اتیکت ملی و ناسیونالیستی کم ارزش تعریف کرده است. منشاء این خشونت تعرض به سطح رفاه، دستمزد و برابری عمیق انسانها در برخورداری از نعمات مادی جامعه است.

اگر این درجه از کینه و تعصب هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم عصر ماست، اگر علیرغم تاریخ جنبشهای قوی و اجتماعی برای برابری انسان و زدودن تعصبات کور و جاهلانته "ملی" در همین غرب هنوز هولیگان‌نیسم حکم میراند، باید حکمتش را در نظام حاکم بر جهان امروز، در همین زمانه و در مصالح همین نظام جستجو کرد. سبقت گرفتن کثافت کاری های سران دولت ها و "ژورنالیسم متعهد" شان از عملکرد این تیپ لمپنهای حاشیه فوتبال دیدنی است. برای نمونه، همین چندی پیش بود که با رو شدن اسناد پاناما و علنی شدن پرونده پولشویی ۱۴ هزار نفر از روسای دولتی در سطح دنیا، پرده از یک فقره دزدی آشکار از جیب مردم محروم جهان برداشته شد.

بشریت شاهد قربانی شدن دو دهه امنیت، آزادی، رفاه، هنر، ادبیات، ورزش، فرهنگ و خلاقیت جهانشمول انسان با تعرض ایدولوژیک نظام بازار در طی روند ملت سازی و قوم تراشی توسط بورژوازی غرب بوده است. ... صفحه ۲

سیاست در ایرانند؛ به این لیست تنگین صدها جنایتکار دیگر را نیز باید اضافه کرد که امروز در کابینه روحانی اند، در مجلس کم داده اند، در سپاه ارتش اند، بازجو - ژورنالیست و کارآفرین شده اند. و این تازه همه داستان نیست. اینها یادوهایی هم داشتند که در مقطع ۳۰ خرداد ۶۰، کمونیستها، رهبران اعتصابات کارگری و فعالین سیاسی را به سپاه و ساواها لو میدادند و امروز زور میزنند که آن سابقه "درخشان" شان را از اذهان جامعه پاک کنند.

\*\*\*

رادیو انترناسیونال: اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ

این نوشته شما کاملاً... صفحه ۳

## آقایان شرمندہ اند!

مصطفی اسدپور



هفته پیش خامنه ای از پیامدهای ناگوار سیاستهای ناموفق اقتصادی نزد کارگران اظهار شرمندگی کرد. در همین هفته وزیر کار از شلاق کارگران معدن طلا شرمندہ شد. ایشان فقط یک هفته قبل تر از عدم موفقیت در مقابله با قراردادهای موقت شرمندہ از آب درآمده بودند. محجوب از طرف مجلس و صف طولانی تری از مقامات و ارگانها قبلاً در لیست این خجلت زده ها در ستون کارگری رسانه ها معرف حضور افکار عمومی هستند. بیائید بپرسیم "شرمندگی" حضرات به چه معنی است؟ آیا اینرا باید به نوع ایرانی اقرار به شکست برداشت کرد. شاید این اظهارات را باید به حساب وجدان ناگهان بیدار و کشف ناگهانی واقعیت از جانب یک سیاستمدار ساده لوح گذاشت.

بیائید بپرسیم "شرمندگی" امروز به کدام نتیجه واقعی منجر خواهد شد؟ آقایان مسئولیت عواقب سیاست خود را بعهده خواهند گرفت، آیا آقایان استعفا خواهند داد؟ سیاستهای مد نظر پس گرفته خواهد شد؟ همه میدانند که چنین روندی در کار نیست. ... صفحه ۲

# آزادی برابری حکومت کارگری

## آقایان ...

شرمندانه بودن بعنوان یک تعارف، یک حرف تو خالی و پوچ، یک ادای ادب کوچه بازاری در ادبیات ایران شناخته میشود. کشیده شدن پای کارگر به این حیظه و در این زمان معین اتفاقی نیست و از کنار پیام آن خطاب به کارگران نمیتوان بسادگی گذشت. در موازات شکست وعده های گشایش پس از برجام و انتظار طولانی برای از راه رسیدن سرمایه خارجی سخنرانی خامنه ای در مراسم روز کارگر پیامی بجز مشروعیت تعطیلی کارخانجات و اخراج کارگران و انتظار تا رشد سرمایه داخلی را به همراه نداشت. در طول همان هفته وزیر کار تبلیغ حتی ریاکارانه مخالفت با قراردادهای موقت را کنار گذاشته و از جانب وزارتخانه متبوع خود اعلام داشت که صد و بیست هزار نفر از لیست مشمولین دریافت بیمه بیکاری از لیست

## هولیکانیسم ...

معلوم شد که نعره های "شکست کمونیسم" و "پیروزی بازار"، امروز چه منجلابی بیار آورده است. حال، در جهانی که نظام حاکم بر آن بلحاظ فکری و ایدئولوژیک فلج و بی افق است، در جهانی که هولیکان های عرصه سیاست دست بر ماشه، بشریت را به سقوط از پرتگاه فقر، جنون، هانیبالیسم و دریه دری کشانده اند، در جهانی که مشتی جنایتکار و انگل و مفتخور حکم میرانند، تخریب میکنند، میکشند و می برند، نباید هم از هولیکان های حاشیه فوتبال انتظاری جز شاخ به شاخ شدن علیه هم داشت. جهان ما باید بر قاعده اش بنشیند. تنها یک انقلاب کمونیستی نیرومند میتواند این هولیکانیسم را در تمام عرصه ها افسار زند و امنیت، رفاه، امید، آزادی و اختیار به انسان را بازگرداند.

مربوطه کنار گذاشته شده است. مقامات کابینه روحانی بر وعده انتخاباتی رئیس جمهور مبتنی بر جبران معیشت خانواده های کارگری از طریق اهدای سبد کالایی خط بطلان کشیدند.

لیست ذکر شده از مقامات ارشد این حکومت هستند. این حضرات خوب می دانند چه میگویند. از قیمت اجناس ضروری و از قدرت خرید واقعی دستمزدها چندان بی خبر نیستند. این عالی جنابان در فرسایش حذف استخدام و استقرار کار قراردادی مو سفید کرد اند. اینها دارند سیاستهای اقتصادی معینی را پیش میبرند. شرمندگی امروز بخش بلافضل همان سیاست است. شرمندگی با همه مفهوم لاقیدانه در زبان و فرهنگ فارسی در دنیای سیاسی به کمال لپنهانه نائل میگردد.

آیا کسی میداند، آیا میتوان مطمئن بود که شوخی در کار نیست؟ هر که سوابق قابل ذکری از انساندوستی مقامات مربوطه در دست نیست، اما در میدان معیشت میلیونها کارگر این رقص دیگر زیادی شتری و کاملاً نابجاست. آیا نیازی هست از بوی خون در این فضا اسم برد؟ آیا نیازی هست از نتایج سیاستهای کنونی تنها به دو میلیون کودک در خیابانها در جنگ برای نان اسم برد؟ میلیونها بیکار، دهها میلیون مردم، دهها سال زیر خط فقر، میلیون تن فروش و معتاد زیر نگین حکومت الهی تان همین بود؟ آقایان شما قرار بود کاری کنید، چاره ساز باشید، نجات بخش باشید؛ به ریش خود میخندید یا به مردم؟ وزیر کار قبلاً هم فرموده بودند که مخلص کارگران تشریف دارند و یکبار نیز شور خدمتگزاری را تا آستانه بوسیدن دست کارگران درآورده اید. میشود از ایشان تقاضا کرد یکبار هم که شده کارگران را داخل ادم به حساب آورده، نه در قاموس تعارفات صد تا یک غاز ایرانی، با شرط شعور با مقایسه دریافتی ماهانه خود و مدیر

کل وزارت کار، نمایندگان مجلس، خدم و حشم جماران و کارکنان محترم دایره بازرجویی فعالین سیاسی با مصوبه دستمزد شورای عالی کار بفرمایید در این مدت چند لقمه نان به سفره کارگر اضافه کرده اند؟ و آیا میشود از ارباب جمعی کلوب شرمکینان سوال کرد در شکسته نفسی در محضر اخوی های کارفرما و سرمایه داران و در محلات بالای شهر نیز از اجازه این لوس بازی ها برخوردارند؟ هر چه هست، طبقه کارگر حق شهروندی و کاملاً آزادانه مادام

العمر مقامات حکومتی در شرمکین بودن در مقابل و بوسیدن دست کارگر؛ و یا ساییدن هر کشک دلخواه دیگر را تضمین خواهد کرد. اما خود حق ندارد ادعاهای نهفته در اظهارات مقامات را ندیده بگیرد. این مقامات دارند از آینده حق کارگر در این جامعه میگویند و اینکه در بر روی همین پاشنه خواهد چرخید. انتظار طبقه کارگر برای زدودن لپنیسم از بورژوازی نمایندگانش در ایران بیهوده است. باید هر چه زودتر آنها را به زیر کشید.

## صفحه عربی سایت حزب حکمتیست

## (خط رسمی) شروع به کار کرد

صفحه عربی حزب حکمتیست (خط رسمی) با هدف آشنا کردن کمونیستهای عرب زبان به سیاستها و مواضع حزب، شروع به کار کرد. با این امید که آشنایی با سیاستها و مواضع حزب، آشنایی با ادبیات کمونیسم منصور حکمت، نزدیکی بیشتر کمونیستهای عرب زبان با حزب حکمتیست (خط رسمی) را تسهیل کند.

ما همه کمونیستهای عرب زبان را به مراجعه به این سایت و همکاری با ما در ترجمه ادبیات حزب به زبان عربی دعوت میکنیم.

آدرس صفحه عربی حزب:

[hekmatist.com/Arabic/Arabic-index.html](http://hekmatist.com/Arabic/Arabic-index.html)

دبیرخانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ ژوئن ۲۰۱۶

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

## ۳۰ خرداد ۶۰ ...

با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. و لسی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل کرده‌اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

**منصور حکمت:** بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده‌ای از آن دوران ندارند، حتماً آن تاریخ را بازبینی کنند) میبیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش، با شکنجه‌هایش بیخاستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی هیئت‌های سوسیالیستی وجود نداشت، یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه‌ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروتهای انبوه. مردم علیه اینها بیخاستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه‌ای از جامعه ایران بود، پر و بال میکشید. یکی از شخصیت‌های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را

برمیدارند و به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از آن وقت رسانه‌ها و دولتهای غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هوپرز از طرف دولت آمریکا میآید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی میگیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در روی نظامی شکست میدهند. اما ماحصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

منتی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ میگذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست... یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعاً سرکوب کند، هر چند چاق‌داری هست، چاقو کشی هست، اسلام‌گرایی هست. خلخال همان موقع برای رژیم جلادی میکند، با این وجود رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلای مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سر درمی‌آورند، کتابهای مارکس و لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراها، کارگری بوجود می‌آیند، سازمانهای مختلف زنان بوجود می‌آیند، موج اعتراضی بالا میگیرد. تا اینکه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که یک کودتای خونین ضد انقلابی-اسلامی صورت میگیرد. هجوم می‌آورند و روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامه‌ها را میبندند و مخالفینشان را تار و مار

میکند. این آن پدیده‌ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است و لسی از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ فاصله‌ای است که در آن نیروها و دولتهای دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند. و بالاخره ۳۰ خرداد مقطع‌عی است که این سرکوب صورت میگیرد.

خوب است یادآوری کنم که اعدام‌های حکومت اسلامی اساساً از روی لیست کسانی بود که در رژیم شاه به زندان افتاده بودند. کسی که در رژیم شاه دو ماه حبس گرفته بود در حکومت اسلامی اعدام شد. همان کسانی را زدند و کشتند که رژیم شاه میخواست بزند و بکشد و نمیتوانست...

**رادیو انترناسیونال:** یعنی جمهوری اسلامی کار سرکوب انقلاب را که شاه از پس آن برنیامد، تمام کرد و در واقع از مردمی که علیه رژیم شاه انقلاب کرده بودند انتقام گرفت. ولی چطور توانست اینکار را انجام دهد؟ چون تا همان دیروز ۳۰ خرداد روزنامه‌های چپی بودند، تظاهرات انجام میشد، و علی‌رغم دستگیریها و جنگ و جدال با چماق‌دارها، آزادی وجود داشت. ۳۰ خرداد چه ویژگی داشت که حکومت اسلامی توانست خود را تحکیم کند و جنبش انقلابی دیگر نتوانست سر بلند کند؟

**منصور حکمت:** این یک کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد. مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف برود خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلائی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که

بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخوایسته بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چی‌ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبزدند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان مینشینند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل‌کشی در رواندا، به مراتب وحشتناک‌تر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدی‌های مهم انسانی قرن بیستم است. زدند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدم‌های بسیار زیادی را، نازنین‌ترین و پرشورترین و آزادیخواه‌ترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

**رادیو انترناسیونال:** رهبران جمهوری اسلامی که الان بجان هم افتاده‌اند، در آن موقع، همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظورم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دوی خردادیها را اسم ببرم... بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دوی خرداد است، حجابیان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و ... ←

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

### کارگران کمونیست ...

خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون آمدند و الان بجان هم افتاداند؟

**منصور حکمت:** جناح‌بندی همان موقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح‌بندی که الان میبینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی‌ها در صف مقدم حکومت بودند. صف‌بندی‌ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دوی خرداد است، خود اولین قربانی خط امامی‌هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دوی خرداد هستند. دولت آتموقع دست این خط امامی‌ها بود. منظورم کابینه است. همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دوی خرداد که بعدا بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافلی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده‌اند و دموکرات شده‌اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نسبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه‌ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلاد و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود، در رأس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند.

فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها

را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگهدارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاششان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سر پا نگاه دارند.

**رادیو انترناسیونال:** آیا میشود گفت که به این ترتیب دوم خردادها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

**منصور حکمت:** ابد! دوم خردادها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکنند، البته بعدها در دادگاه‌هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتا همان شاخصی است که خودی و غیرخودی را تعریف میکنند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی‌ها پا بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پولهایشان را بردارند و بروند لس‌آنجلس. سر و کار بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه‌های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد

### برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب به مناسبت

**هفته حکمت ۲۰۱۶، به پایان رسید.**

**فایل های صوتی این برنامه ها که حاوی سخنرانی**

**هایی در معرفی دستاوردهای نظری حکمت به**

**مارکسیسم و جنبش کمونیستی بود هم اکنون در**

**سایت حزب قابل دسترس است؛**

<http://hekmatist.com/2016/Hafte-Hekmat16.html>

قضائیه‌اند، رهبرند، رئیس ارتش‌اند، سران سپاه پاسداران‌اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه‌های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت‌هایش از خمینی و بهشتی، تا خاتمی و خامنه‌ای و رفسنجانی و گیلانی، و همه کسانی است که در این روند نقش داشته‌اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میداند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

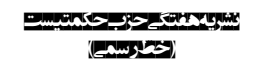
**رادیو انترناسیونال:** حزب کمونیست کارگری یک کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جانبازگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

**منصور حکمت:** فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولایا باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیا این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس‌اند، در کابینه‌اند، رئیس قوه

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۵۸  
۲۵ خرداد ۱۳۸۰ (۱۵ ژوئن ۲۰۰۱)

**«شوررفاه، آزادی و امنیت مردم ایران را بدست گیرید!»**



[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبداللہی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تماس با حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

**کارگران جهان متحد شوید!**